



حکمرانی مشارکتی - تطبیقی در منابع طبیعی

، حمید عمرانیان خراسانی^۳ مرضیه پایسته^۱، مهدی کلاهی^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مرتعداری (اصلاح و احیاء) دانشگاه فردوسی مشهد، mpayeste1@gmail.com

^۲عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد، Mahdikolahi@ferdowsi.um.ac.ir

^۳دانش آموخته مهندسی منابع آب دانشگاه تربیت مدرس، h.omranian@gmail.com

چکیده

منابع طبیعی علاوه بر عامل طبیعی دارای مولفه اجتماعی نیز هستند. امروزه از نظر دانش فنی، به رشد مناسبی رسیده‌ایم ولی منابع طبیعی با مشکلات عدیده‌ای در بخش اجتماعی روبه‌رو می‌باشد که دلیل اصلی انواع تخریب‌ها و عدم موفقیت برنامه‌ها و اهداف پیش‌بینی شده‌اند. بنابراین باید به دنبال الگوی مناسبی در جهت شناسایی و برون رفت از این معضلات بود. در حال حاضر مشکل اساسی مدیریت منابع طبیعی ایران، فقدان حکمرانی جامع‌نگرانه است. این پژوهش بر آن است تا الگوی حکمرانی مشارکتی - تطبیقی در منابع طبیعی را واکاوی و معرفی نماید. با بهره بردن از الگوی حکمرانی مشارکتی - تطبیقی بر اساس حوضه‌های آبخیز می‌توان بر بسیاری از مشکلات بخش منابع طبیعی فائق آمد و در اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، به انسجام‌بندی اجتماعی دست یافت. واژه‌های کلیدی: انسجام‌بندی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مدیریت یکپارچه

مقدمه

جهان امروز با چالش‌هایی مواجه است که ناشی از دگرگونی‌های حاصل از پیشرفت علم و صنعت و طرح نیازهای جدید سازمانی و اجتماعی است. یکی از مهمترین آنها، چالش‌های بهره‌برداری و بهره‌وری بخش منابع طبیعی است. منابع طبیعی از مواهب خدادادی و خود ساخته‌ای است که دست بشر در تولید اولیه آن نقش و سهم قابل ملاحظه‌ای نداشته و هر گاه به علت توسعه فناوری‌های نوین، بشر قادر به اعمال تاثیرات در این منابع شده و این تاثیر در مجموع جنبه حفاظت و بهره‌برداری اصولی را از آن منابع در بر داشته است (کاویانی، ۱۳۸۸). منابع طبیعی مجموعه‌ای از ثروت هر کشوری می‌باشد که نیازهای انسان از آن تامین می‌شود که بشر در ایجاد آن هیچ‌گونه دخالتی نداشته است. لذا می‌توان آنها را از نظر کاربردی به دو گروه منابع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر طبقه‌بندی کرد (رضوی، ۱۳۹۴). منابع تجدیدپذیر آن دسته از منابعی هستند که می‌توانند دوباره تولید شوند، به عنوان مثال، گیاهان و حیوانات از این دسته هستند. در حالی که منابع تجدیدنپذیر، منابعی‌اند که نمی‌توانند دوباره تولید شوند، به عنوان مثال، سوخت‌های فسیلی این گروه را



تشکیل می‌دهند. در حالت دوم این منابع تمام شدنی هستند و باید به دقت مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا برای نسل آینده به اندازه‌ی کافی باقی بماند (وثیق زاده انصاری، ۱۳۹۳).

منابع طبیعی کارکردهای مختلفی دارند همچون (۱) کارکرد تنظیمی (شامل تنظیم گاز (حفظ لایه ازن)، تنظیم آب و هوا (لطافت هوا)، جلوگیری از اختلالات (کنترل سیلاب)، تنظیم آب (تنظیم روان‌آب)، تامین و عرضه آب (افزایش ذخایر آب‌های زیرزمینی)، نگهداری خاک (کاهش فرسایش خاک)، تشکیل خاک (حفظ حاصلخیزی خاک)، تنظیم مواد مغذی (تثبیت نیتروژن)، عملیات دفع مواد زائد (تصفیه ذرات گردوغبار)، گرده‌افشانی، کنترل بیولوژیک (کنترل آفات و بیماری‌ها)، (۲) کارکرد زیستگاهی (شامل پناهگاهی (کنترل زندگی)، خزانه‌ای (مکان تولید و مثل و تکثیر گونه‌ها)، (۳) کارکرد تولیدی (شامل تولید غذا (میوه، قارچ، ...، مواد خام (صمغ و تانن)، منابع ژنتیکی (بهبود مقاومت محصولات ژنتیکی)، منابع دارویی، منابع تزئینی و آرایشی (صدف، عاج، پر، چوب)، و (۴) کارکرد اطلاعاتی (شامل زیبایی‌شناسی (چشم‌اندازها)، تفریح و طبیعت‌گردی، القای فرهنگی و هنری (نقاشی و معماری)، اطلاعات معنوی و تاریخی، علوم آموزش (گردش‌های علمی و آزمایش‌های پژوهشی)، و به دلیل تجدیدپذیر بودن اهمیت آنها از نفت و گاز بیشتر است (روزنامه تسنیم، ۱۳۹۳).

جنگل‌ها و مراتع یکی از مهمترین و با ارزش‌ترین منابع طبیعی تجدیدپذیر، و جزو نعمت‌های خدادادی هر کشور محسوب می‌شوند. که به سبب اثرات مستقیم و غیر مستقیم خود نقش اساسی را در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع ایفا می‌نمایند (اکبری و مشهدی، ۱۳۹۳). امروزه تحقق توسعه پایدار بدون توجه به مسائل منابع طبیعی و محیط‌زیست میسر نیست (عدل، ۱۳۸۳). مساحت جنگل‌های جهان حدود ۴ میلیارد هکتار است که ۲۹ درصد سطح خشکی‌ها را می‌پوشاند دو سوم جنگل‌های جهان در نیم کره شمالی و یک سوم آن در نیمکره جنوبی قرار دارد، بیشترین سطح خشکی‌ها در کره زمین به مراتع اختصاص دارد. بر اساس آمار فائو حدود ۲/۱۳۳ میلیارد هکتار مرتع در دنیا وجود دارد. بیش از ۶/۱ میلیارد هکتار، معادل ۴۷/۲ درصد از سطح کره زمین را سرزمین‌های خشک و نیمه خشک تشکیل می‌دهند. تقریباً ۱ میلیارد هکتار از این سطح، بیابان‌های خشک با تولیدات بیولوژیکی بسیار ناچیز هستند. بقیه که بالغ بر ۵/۱ میلیارد هکتار می‌شود، شامل: مناطق خشک و مناطقی با رطوبت بسیار کم است (قاسمی، ۱۳۹۵). در کشور ما منابع طبیعی تجدیدشونده را جنگل‌ها، مراتع، آب، خاک و تنوع گونه‌ای تشکیل می‌دهد. در این بین جنگل‌ها و مراتع به دلیل گستردگی وسعت و ارزش آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. سطح کل منابع طبیعی ایران ۱۳۵۴۳۸۸۱۳ هکتار معادل ۸۳/۵٪ کل کشور و سطح جنگل‌های ایران ۱۴۲۰۲۵۵۹ هکتار معادل ۸/۵۷٪ مساحت کشور می‌باشد (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ۱۳۹۶). مساحت مراتع ایران ۸۶۱۰۳۹۴۰ هکتار معادل ۵۳٪ مساحت کشور می‌باشد شرایط خشک حاکم بر جغرافیای ایران باعث شده که بیش از ۲۰/۰۸٪ مساحت کشور معادل ۳۲۵۷۹۶۳۱ هکتار را بیابان تشکیل دهد (مصادقی و همکاران، ۲۰۰۸).



یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی است. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است (آرایی، ۱۳۹۳). هنگامی که واژه حکمرانی را بکار می‌بریم باید به دو نکته توجه داشته باشیم. نخست اینکه، حکمرانی، حکومت نیست. حکمرانی بعنوان یک مفهوم، مشخص می‌سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت وجود دارد. غالباً، حکمرانی سه گروه اصلی از بازیگران را شامل می‌شود: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی. دوم اینکه، حکمرانی بر «فرایند» تأکید دارد و مشخص می‌سازد که تصمیمات با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت‌ها و سلاقی متفاوت گرفته می‌شوند. حکمرانی، توافقی را بین اولویت‌ها و سلاقی رقیب و متضاد برقرار می‌کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است (UN-HABITAT, ۲۰۰۲).

ریشه‌یابی واژه حکمرانی ما را به واژه یونانی kubernan (راهبری یا هدایت کردن) می‌رساند، واژه‌ای که افلاطون آنرا برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه Gubernane تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد. حکمرانی مفهوم جدیدی نیست، بلکه به پیشینگی تمدن بشری برمی‌گردد. معنای ساده حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی است که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند (یا نمی‌شوند). در واقع به عنوان مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادها که حاکمان در چارچوب آنها عمل می‌کنند یا به عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در کلیه سطوح تعریف شده است (حجاریان، ۱۳۹۳). در اینجا حکمرانی، «عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت» است. چهار رکن اصلی حکمرانی خوب عبارتند از: (۱) بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد؛ (۲) بخش‌های خصوصی که عهده‌دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بر عهده دارند؛ (۳) جامعه مدنی که فراهم کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است؛ و (۴) سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را به عهده دارند (آرایی، ۱۳۹۳).

حکمرانی می‌تواند سطوح مختلف (عمومی، جهانی، غیرانتفاعی، شرکتی و غیره) و حوزه‌های مختلف (محیط‌زیستی، فضای مجازی و غیره) یا مدل‌های مختلف (تجربی یا هنجاری) (چند سطحی، مشارکتی، تنظیمی، مشترک، و غیره) داشته باشد، که شامل حکمرانی عمومی ((Public، حکمرانی خصوصی (Private)، حکمرانی جهانی (Global)، حکمرانی غیرانتفاعی (Non-profit)، حکمرانی شراکتی (Corporate)، حکمرانی مشترک (Collaborative)، حکمرانی تنظیمی (Regulatory)، حکمرانی چند سطحی (Multilevel)، و حکمرانی مشارکتی (Participatory) می‌شود. به عنوان نمونه، حکمرانی مشارکتی، بر مشارکت عمیق و دموکراتیک از طریق مشارکت شهروندان تمرکز دارد و ایده پشتیبان آن این است که شهروندان باید نقش مستقیم‌تری را در تصمیمات عمومی داشته باشند، یا حداقل در مسائل



سیاسی، عمیق‌تر دخیل شوند. در عمل، این نوع حکمرانی می‌تواند مکمل نقش شهروندان، به‌عنوان رأی‌دهنده و ناظر کارکردهای دولت باشد. واژه مشارکتی (Participatory) بر مشارکت دولت با شهروندان و واژه مشترک (Collaborative) بر مشارکت نهادهای مختلف دلالت دارند (IDS، ۲۰۰۶).

در برهه‌هایی از تاریخ علم، نیازهای روز باعث طرح مفاهیمی شد که منجر به ایجاد الگوهای خاصی از حکمرانی شده‌اند. اقتضات شرایط جدید، حاکمان را به بهره‌گیری از شکل‌های جدید حکمرانی برانگیخته است (غلام‌پور آهنگری، ۱۳۹۵). یکی از این اشکال جدید حکمرانی، «حکمرانی مشارکتی - تطبیقی» می‌تواند باشد. نوشتار حاضر قصد دارد تا به بررسی مفهوم حکمرانی مشارکتی - تطبیقی در منابع طبیعی به بازنمایی آن، بیان چیرستی، مزیت‌ها و مطلوبیت‌ها به عنوان یک رویکرد برای حل بسیاری از مشکلات اجتماعی منابع طبیعی بپردازد.

مدیریت و حکمرانی منابع طبیعی

مدیریت هنر انجام دادن کارها بواسطه دیگران با اقتصادی‌ترین روش است، بدین معنا که از کلیه منابع قابل دسترس برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده استفاده شود (پرهیزکار، ۱۳۹۴). حکمرانی به معنای پیاده‌سازی سیاست‌ها، و پایش دائمی سیاست‌های اجرایی عنوان شده است. این امر توسط اعضای هیئت حاکمه یک سازمان انجام می‌شود و شامل مکانیزم‌هایی است که توازن قدرت اعضا را از طریق سیستم پاسخ‌گویی مناسب و وظایف اصلی آنها را برای افزایش موفقیت و ماندگاری سازمان، محقق کند. می‌توان گفت حکمرانی می‌تواند صرفاً یک فرایند بوده یا هنجاری (هدفمند) باشد (بانک جهانی کلمات، ۲۰۰۶).

حکمرانی منابع طبیعی فرایندی است که تعیین و تعریف می‌کند چه رفتاری در مورد استفاده از منابع طبیعی در یک حوزه مشخص، قابل قبول، و چه رفتارهایی نامقبول است که تضمین این کار بوسیله خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات صورت می‌گیرد و به مدیریت منابع طبیعی و همچنین ساختارها و فرایندهایی که محیط اجتماعی و نهادی را برای اجرای مدیریت منابع طبیعی آماده می‌کند، اشاره دارد (حسینی، ۱۳۹۵).

مطالعات نشان می‌دهد توسعه اقتصادی در عموم کشورهای غنی از منابع طبیعی در مقایسه با کشورهای دیگر، بسیار کمتر است. عموم بررسی‌ها و اظهارنظرهای انجام گرفته پیرامون چرایی ضعف این کشورها در امر توسعه، گویای این واقعیت است که مدیریت و حکمرانی منابع طبیعی است که زمینه بهره‌گیری‌های مناسب از آنها را در راستای امر توسعه فراهم می‌سازد. توسعه مبتنی بر منابع طبیعی از مباحثی است که همواره محل مناقشه فعالان حوزه اقتصاد و توسعه بوده و هنوز هم فرجام مشخصی بر این نزاع کلامی و عملی تعیین نشده است. ولی می‌توان گفت، استفاده نامناسب و غیرهدفمند از منابع طبیعی همیشه از سوی سیاست‌گذاران و مجریان برنامه‌های توسعه نهی شده است. ناگفته پیداست که ارزش منابع طبیعی محدود به ارزش اقتصادی آنها نبوده و استفاده‌های سیاسی و اجتماعی از



این منابع نیز محل تامل جدی است. در تمام سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، بازیگران در رقابت برای دسترسی، کنترل و کسب سود از منابع طبیعی هستند. اینکه چگونه این رقابت‌ها ادامه می‌یابد و مرتفع می‌شود و چه کسی نهایتاً از آن‌ها سود می‌برد، در قلب حکمرانی منابع طبیعی قرار دارد (نوروزی، ۱۳۹۴).

در شرایط کنونی نمی‌توان برای حل معضل هدررفت منابع آب، کاهش ذخیره‌های جنگلی و در کل منابع طبیعی چاره‌اندیشی کرد بدون آنکه به فکر معیشت و زندگی انسان‌ها باشیم و برای فقر اقتصادی و محرومیت اجتماعی علی‌الخصوص جوامع محلی چاره‌ای نیندیشیم. از این گذشته رویکرد مدیریت مشارکتی که ملازم بحث توسعه پایدار و همه‌جانبه است، نیازمند توانمندسازی توانمند سه جزو دولت، جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها یا NGOها) است. این مدیریت مشارکتی زمینه‌ساز شکلی از مشارکت اجتماعی می‌شود که در آن منافع تمام گروه‌داران از جمله دستگاه‌های دولتی و جوامع محلی لحاظ می‌شود. برای تحقق این مهم، نیازمند تصویرسازی مشترک هستیم. مادامی که این تصویرسازی مشترک از چالش‌ها و مشکلات منابع طبیعی ایجاد نشود، امکان گذار از نگرش بخشی و جزیره‌ای به سوی جامع‌نگری محقق نمی‌شود (تعالی، ۱۳۹۴).

مشکل اساسی مدیریت منابع طبیعی ایران در حال حاضر فقدان جامع‌نگری است. در بحث مدیریت منابع طبیعی که بهتر است به جای مدیریت از واژه حکمرانی استفاده کنیم، نباید فراموش کرد که جز عامل طبیعی با یک مولفه اجتماعی نیز مواجه‌ایم. به همین خاطر بخشی‌نگری مشکلی است که منابع طبیعی کشور به شدت از آن رنج می‌برد. ایجاد نگاه حکمرانی در بخش منابع طبیعی نیازمند تغییر در دو عرصه ساختار و محتواست که این امر به نوبه خود ادغام و یکپارچه‌سازی مدیریت را طلب می‌کند (تعالی، ۱۳۹۴).

حکمرانی مشارکتی - تطبیقی در منابع طبیعی

از آنجایی که حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایند اجرای تصمیمات است، تحلیل حکمرانی روی بهره‌برداران رسمی و در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و ساختارهای رسمی و غیر رسمی، که برای دستیابی به هدف‌ها و اجرای تصمیمات در یک مکان بوجود می‌آیند متمرکز می‌شود (عسکری غلام زاده، ۱۳۹۳). دولت یکی از بازیگران حکمرانی است. سایر بازیگران حکمرانی با توجه به وابستگی‌شان به سطوح مختلف حکومت متفاوت هستند. برای مثال در نواحی روستائی، سایر بازیگران ممکن است، شامل زمین‌داران صاحب نفوذ، اتحادیه‌های کشاورزان روستائی، تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای پژوهشی، رهبران مذهبی، نهادهای مالی، احزاب سیاسی، نظامیان و غیره باشند (کوهستانی، ۱۳۹۳).

امروزه نقش دولت نیز متحول و مسئولیت آن متفاوت شده است. دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنها بایستی با افزایش قابلیت‌های خود توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. این مهم نیازمند الگوهای



جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود. حکمرانی مشارکتی - تطبیقی می‌تواند یکی از این الگوهای موفق باشد (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۲).

حکومت انطباقی یک چارچوب تحقیق در حال تحول برای تجزیه و تحلیل مبانی اجتماعی، نهادی، اقتصادی و زیست محیطی از شیوه های حکومت چند سطحی است که موفق به ایجاد انعطاف پذیری برای چالش های وسیع ناشی از تغییر جهانی و سازگاری پیچیده SES شده اند. حکومت تطبیقی (AG) به عنوان یک رویکرد مناسب برای مدیریت اکوسیستم در تغییر محیط ها پیشنهاد شده است. این بر این فرض استوار است که مناظر و منظره ها باید به عنوان سیستم های پیچیده اجتماعی-اکولوژیکی شناخته شده و اداره شوند (جین لابیچینکو، ۲۰۱۵).

حکومت داری چند سطحی از منابع طبیعی امروز، چالش‌های بزرگی را در اروپا و سایر نقاط جهان بوجود می‌آورد، بخشی از آن به دلیل فرآیندهای تغییر جهانی است (فلیکس راوشمایر، ۲۰۰۹). سیاست‌گذاران در هنگام رسیدگی به این چالش‌ها به دو جهت مختلف برای هدایت نگاه می‌کنند. اولاً، آنها به دنبال توصیه‌های علمی برای یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکلات قدیمی و جدید سیاست هستند. ثانیاً سیاست‌گذاران به طور فزاینده‌ای بر مشارکت عمومی گروه‌داران تاکید می‌کنند تا مشروعیت حکومت داری چندسطحی منابع طبیعی را افزایش دهند (جونی پاوولا و هدی ویتمر، ۲۰۰۹). تصمیم‌گیری مشارکتی در سطوح مناسب و چندگانه حکومت به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به سیاست‌های پایدار و اجرای سیاست‌های موثرتر و پایدار می‌باشد (جین نیویگ و الیور فریچ، ۲۰۰۸). دیدگاه حکمرانی، کلید توسعه جوامع را فراهم کردن شرایط و نهادهایی می‌داند که به دولت کمک کند تا از عهده انجام وظایف حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد (بهلولی و همکاران، ۱۳۹۶).

حکمرانی خوب دارای هشت مشخصه اصلی می‌باشد از قبیل مشارکتی، اجماع‌محوری، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی، منصفانه و همه‌گیر، و پیرو حاکمیت قانون. حکمرانی خوب باعث می‌شود دیدگاه‌های اقلیت‌ها به حساب آورده شده و صدای اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری شنیده شود و نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ گفته شود (شکل ۱؛ کمالی، ۱۳۸۸).



شکل ۱- شاخص‌های حکمرانی خوب



میزان مشارکت مردم در انجام طرح‌ها و برنامه‌های خاص اجرایی پیشرفت کار را دو چندان و اجرای طرح از حالت یکنواخت و یک طرفه بودن به مشارکت همگانی و دو طرفه مردم و ارگان‌های ذی‌ربط می‌انجامد. بطوری که امروزه تاثیر حضور و مشارکت مردم در اجرای درست و پیشبرد سریعتر اجرای اکثر طرح‌ها از جمله طرح‌های منابع طبیعی و مرتعداری به وضوح دیده می‌شود (مهردوست، ۱۳۹۰). چنانچه مردم در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی مشارکت نداشته باشند در حفظ و نگهداری این طرح‌ها چندان تلاشی به عمل نیاورده و زمان اجرای این برنامه‌ها نیز به درازا می‌کشد. به علاوه چنین برنامه‌هایی با مقاومت‌هایی از سوی مردم مواجه می‌گردد که پذیرش و اجرای آن‌ها را با مشکلاتی روبه‌رو می‌سازد (محمودنژاد، ۱۳۷۰).

با توجه به منابع محیط‌زیستی، حکمرانی خوب یعنی شیوه‌ای که در آن، مدیریت تصمیم‌گیری‌ها به ترویج توسعه پایدار که شامل حفاظت از محیط‌زیست است می‌پردازد. بهبود شاخص‌های حکمرانی، شکاف بین مردم و دولت را در مورد مسائل محیط‌زیستی کاهش داده و اثر دو شاخص «قدرت پاسخگویی» و «حاکمیت قانون» در کم کردن شکاف و در نتیجه کاهش آلاینده‌های محیط‌زیستی از سایر شاخص‌های حکمرانی بیشتر است (اشرفی، ۱۳۸۹). شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که حکومت مشارکتی برای رقابت با مشکلات پیچیده مدیریت برای مقادیر متعدد و نتایج برای رسیدن به پایداری محیط‌زیستی و توسعه اقتصادی بسیار مهم است (جان کری، ۲۰۰۶). برای تقویت و توسعه مشارکت جامعه در منابع طبیعی، نه طرح توصیه می‌شود: (۱) تغییر پارادایم‌ها، (۲) غالبیت حفاظت از چمن، (۳) تضمین تطبیق با اهداف، (۴) اطمینان از کافی بودن اطلاعات، (۵) برخورد با داخلی طبقه بندی جامعه، (۶) ایجاد ارتباط متقابل، (۷) ایجاد محیط سیاستی مشارکتی، (۸) ظرفیت سازی جامعه و (۹) نظارت و ارزیابی ابتکارات محلی (نوا اسکوشیا، ۲۰۰۶).

بحث‌های اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای در اکثر زمینه‌ها بویژه در مسائل و مشکلات مربوط به منابع طبیعی برخوردارند. عمده مشکلات منابع طبیعی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با مباحث اجتماعی دارند که می‌توان به موضوع حکمرانی مشارکتی - تطبیقی در این مباحث نیز اشاره کرد که همواره در جستجوی کشف میزان تاثیرگذاری این مهم برای حل مشکلات بوجود آمده می‌باشد. پژوهش حاضر در راستای بررسی این مفهوم در منابع طبیعی انجام شد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به پژوهش‌های انجام شده بیشتر مشکلات مربوط به منابع طبیعی از انواع تخریب‌ها و تعرض‌ها گرفته تا کوچکترین مسائل مرتبط، به گونه‌ای به بحث‌های اجتماعی بویژه چگونگی حکمرانی و شیوه مشارکت در ارتباط می‌باشد. این مساله در کشورهای درحال توسعه از جمله کشور ما با چالش‌هایی مواجه است زیرا مفهوم حکمرانی خوب مبتنی بر اصول لیبرال و متناسب با جوامع



توسعه یافته بوده و بیانگر گرایش سیاسی خاصی می باشد که پیاده سازی آن در جوامع در حال توسعه با موانعی روبرو است. به اعتقاد برخی نویسندگان وجود نوعی شکاف دولت - ملت در این گونه جوامع که ریشه در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دارد، مانع عمده ای در تحقق حکمرانی خوب خواهد بود. بررسی و شناخت و همراه کردن مردم با اهداف و حکمرانی مشارکتی در هر زمینه ای به عنوان یک هدف ارزشی اهمیت فوق العاده ای دارد؛ چرا که این موضوع از ابعاد مهم و اصلی اجرای برنامه های مصوب محسوب می شود و در زمینه منابع طبیعی وجود حکمرانی مشارکتی بهترین راهکار می باشد.

منابع

- ۱- آرای، و. حکمرانی خوب الگویی جدید در سیاست گذاری عمومی
- ۲- بهلولی، ن. خداوردی زاده، ق. صبحی لکی، ب. (۱۳۹۶). حکمرانی خوب، کلید توسعه جوامع، چهارمین کنگره بین المللی پژوهش های نوین در مطالعات مدیریت، حسابداری و اقتصاد، اردیبهشت ۹۶ شیراز.
- ۳- حجاریان. عسگری غلام زاده. (۱۳۹۳). حکمرانی (حاکمیت)، دانشگاه علامه طباطبائی، مدیریت استراتژیک صنعتی
- ۴- حسینی، س. ک. نوروزی، م. (۱۳۹۵). ضرورت حکمرانی منابع طبیعی با تاکید بر نفت و گاز در ایران، ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۳۳.
- ۵- شریف زاده، ف. قلی پور، ر. (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صفحه ۹۳-۱۰۹.
- ۶- عدل، ح. (۱۳۸۳). منابع طبیعی روندهای تخریب و ضرورت اصلاح قوانین
- ۷- غلام پور آهنگر، ا. (۱۳۹۵). مروری بر مفهوم حکمرانی شبکه ای
- ۸- کوهستانی، ح. قاسمی، ن. (۱۳۹۳). نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه روستایی پایدار، اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افق ۱۴۰۴، اصفهان.
- ۹- کاویانی، ح. (۱۳۸۸). نقش منابع طبیعی در توسعه اقتصادی، ماهنامه داخلی سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان - سال هفتم - شماره صد و یک - اسفند ماه
- ۱۰- کمالی، ی. (۱۳۸۸). حکمرانی خوب چیست؟، مجله تدبیر، مقالات شماره ۲۰۶ - تیر.
- ۱۱- لشکری زاده، م. علی اشرفی، م. (۱۳۸۹). بررسی اثر حکمرانی خوب بر کیفیت محیط زیستی در کشورهای در حال توسعه، اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، ۲۸ و ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱، فارس.
- ۱۲- مهردوست، خ. (۱۳۹۰). اهمیت مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی.



۱۳-نوروزی، م. (۱۳۹۴). نشست علمی حکمرانی منابع طبیعی؛ چستی، شاخص‌ها و راهکارها

- Jens Newig, Oliver Fritsch. (2008). Environmental Governance: Participatory, Multi-level – and Effective, UFZ- ۱۳ Discussion Papers, 15/2008 – Governat 8, November.
- Jouni Paavola, Heidi Wittmer. (2009). European Governance of Natural Resources- ۱۴ 15-Jane Lubchenco, Oregon State University, Corvallis, OR, and approved April 28, Participation in a Multi-Level Context, As submitted to Environmental Policy and Governance 19/3, 2009, - ۱۶ <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/eet.504/pdf>.
- nd Edition, Nairobi. ۲۰۱۲-UN-HABITAT, Global campaign on urban Governance: concept paper, ۲۰۱۵۱۲.

Participatory Governance-Adaptive in Natural Resources

Marzieh payeste¹, Mehdi Kolahi^{2*}

University of Mashhad, Ferdowsi 'Master's degree in Military Engineering (Modification and Revitalization),
mpayeste1@gmail.com

²Faculty Member of Ferdowsi University of Mashhad, Mahdikolahi@ferdowsi.um.ac.ir

Abstract

Natural resources, in addition to the natural factor, also have a social component. Today, in terms of technical knowledge, we have come to the right end, but natural resources are facing a lot of problems in the social sector, which is the main reason for the various types of destruction and failure of the programs and objectives predicted. . Therefore, we should look for a good pattern in identifying and emerging from these dilemmas. The basic problem of Iran's natural resources management is the lack of comprehensive governance. This research seeks to elucidate the pattern of participatory governance-adaptive in natural resources. By utilizing the participatory governance model - adaptive based on the catchment area, many problems of the natural resources sector can be overcome and social cohesion has been achieved in the short, medium and long term.

Key words: Social cohesion, social participation, integrated management